



زخم پلاستیک‌ها بر صورت زمین

من: می‌خواهم برایت از یک اتفاق خوب و امیدوار کننده روی زمین حرف بزنم. آدم‌ها یک جنبش جدید و سالم را از چند روز پیش شروع کردند.

شازده کوچولو: تو همیشه وقتی دلت می‌گرفت با من حرف می‌زدی. چه عجب این بار خبر خوش داری. من: خب تو از زمین دوری ولی به قلب و ذهن من و خیلی از زمینی‌ها نزدیکی. در ضمن از آن بالا همه چیز را بهتر می‌بینی. پس چه کسی بهتر از تو برای دردل یا مشورت.

شازده کوچولو: باشد. قبول. حالا خبر خوست را بگو بینم چی هست.

من: سه روز پیش روز جهانی زمین بود. از همان دوشنبه، در سراسر جهان جنبشی راه افتاده است به نام «زمین علیه پلاستیک» و آدمیزاد اگر چه خیلی دیر ولی بالاخره فهمید که اگر جلوی افزایش زباله پلاستیکی را نگیرد، به زودی با همه خانه و زندگی و عزیزانش، زیر کوهی از

کثافت‌ها و آلودگی‌ها و زباله‌های پلاستیکی دفن می‌شود.

شازده کوچولو: آخ! چه عالی! قلبم آرام شد. اما چطوری؟ مگر این آدمیزادی که هر چه می‌خرد و هر چیزی که می‌خورد و هر کاری که می‌کند، رویش یک لایه نایلونی کشیده و زندگی‌اش پلاستیکی شده! می‌تواند به پلاستیک «نه» بگوید؟

من: البته که به همین راحتی نیست. ولی شعار روز زمین امسال، مردم و دولت‌های همه کشورها را مجبور کرده تا از همان روز جلوی تولید بی‌رویه پلاستیک را بگیرند و تا سال ۲۰۴۰ میلادی یعنی، ۱۶ سال دیگر، ۶۰ درصد از تولید انواع پلاستیک‌ها کم کنند. برای همین از این به بعد در فروشگاه‌ها، خبری از پلاستیک رایگان نخواهد بود و مشتری‌ها یا باید برای هر کیسه نایلونی که برمی‌دارند پول بدهند یا با خودشان کیسه بیاورند.

شازده کوچولو: طول می‌کشد تا همه کیف و کیسه پارچه‌ای داشته باشند، ظرف یک‌بار مصرف

را کلا کنار بگذارند، اجناس بسته‌بندی کمتر بخرند و دور مصرف پلاستیک را خط بکشند؛ ولی چه شروع خوبی، چه جنبش امیدوار کننده‌ای. دلم روشن است زخم‌های عمیقی که آدمیزاد به تن سیاره و خانه سبزش زده، کم‌کم درمان می‌شود.

من: منظورت کدام زخم‌هاست؟ شازده کوچولو: هر زباله پلاستیکی ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ سال در طبیعت می‌ماند تا تجزیه شود. اگر هم تجزیه شود، ذرات بسیار ریز آن از طریق آب و خاک و مواد غذایی که تولید می‌شوند وارد بدن آدمیزاد و بقیه گیاهان و جانوران می‌شود. یعنی پلاستیک بخش جدایی‌ناپذیری شده که می‌تواند زندگی چندین نسل را نابود کند. ساده‌تر بگویم: هر پلاستیک یک زخم ۱۰۰۰ ساله است بر تن مادر مهربانتان، زمین!

آخر کدام فرزند اینطوری، به صورت مادرش چنگ می‌اندازد و تنش را زخمی می‌کند؟ آن هم زخمی که قرن‌ها باید بگذرد تا خوب شود.

من: زمین خانه ماست. می‌دانم که خانه‌مان را نباید خراب کنیم. ولی وقتی می‌گویی، زمین مادر ماست؛ غم و شرمندگی‌ام بیشتر می‌شود.

شازده کوچولو: بر اساس یک اسطوره کهن یونانی، نام زمین «گایا» است و مادر همه موجودات روی آن است. این اسطوره خیلی قشنگ است و ما هم از این بالا در کهکشان به زمین شما «گایا» و «گیهان» می‌گوییم و به راستی او را مادری مهربان می‌بینیم که بر تن هر کدام از شما یک رنگ پوشانده و برای شادی و سلامتی شما، هر چه لازم داشتید از کوه و رود و جنگل داده و زندگی‌تان را با طبیعت و همه موجوداتش زیبا کرده. دیگر چه می‌خواهید؟ چرا به هر چیزی دست می‌زنید و خرابش می‌کنید؟ چرا در سیاره کوچکتان این همه شلختگی و پلشتی درست می‌کنید؟ من اینجا به خاطر گلم، تنها کنارش ماندم، چون در برابرش مسئولیت دارم و نباید ناراحتش کنم. شما هم در زمین در برابر این همه زندگی و زیبایی، مسئولید.

شما در برابر مادر طبیعت و این همه زباله که به دامانش می‌چسبانید، مسئولید.

چه خوب که بالاخره زمینیان علیه پلاستیک و برای درخشانی و زیبایی زمین به هم پیوستند. «گایا» از این اردیبهشت به بعد، حتماً زیباتر و خندان‌تر می‌شود.

وجیهه تیموری

